

تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی

حجت‌الهدی حیدری چراتی^۱

مهرداد ندرلو^۲

چکیده

«اندیشه مهدویت» یکی از باورهای مشترک میان مذاهب اسلامی است که تبیین صحیح آن و تکیه بر وجوه مشترک، تقویت‌کننده همبستگی ملی و وحدت اسلامی خواهد بود. جریان انحرافی «منصورهاشمی خراسانی» یکی از جریان‌های انحرافی مهدویت است که در عصر حاضر این آموزه انسجام و اتحاد‌آفرین را به عامل ضد وحدت و ضد همبستگی تبدیل و با طرح دعاوی گوناگون در همبستگی ملی و وحدت اسلامی شکاف ایجاد کرده است. از این‌رو در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی پرداخته‌ایم. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که این جریان، با خوانشی انحرافی از مبانی اسلامی و طاغوتی خواندن حکومت‌های اسلامی با ایجاد چالش در ارزش‌ها، هنجارها و نهادها، اعضای جامعه را به قانون‌گریزی و رویگردانی از نظام ترغیب و تشویق کرده و با دسته‌بندی اعضای جامعه به موافق و مخالف حکومت، اکثریت و اقلیت آن‌ها را رویاروی یکدیگر قرار داده است. همچنین، با نفوذ در میان خانواده‌ها و آموزش و پرورش به نشر افکار انحرافی خود پرداخته و موجب شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی در جامعه ایران شده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جریان انحرافی، منصورهاشمی خراسانی، همبستگی ملی، اتحاد اسلامی.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا hojatheidadi@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت قم (نویسنده مسئول) ndrilmhrdad5@gmail.com

مقدمه

«همبستگی ملی» و «اتحاد اسلامی» مفهومی دو سویه است که هم بر تمایزات و هم بر اشتراکات دلالت می‌کند. از یک سو با تاکید بر اشتراکات، اعضای جامعه را بر محوری واحد همبسته و متعهد می‌کند و از سوی دیگر، ما را از دیگران باز می‌شناسد. ایران کشوری است که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی دارای تکثر و تنوع است که در میان آن‌ها عناصری همچون دین، مذهب، تاریخ و قومیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بنابراین، برای ایجاد وحدت ملی و اسلامی باید از یک سو نگری و افراط و تفریط جلوگیری کرد. پژوهشگران، همبستگی و اتحاد ملی را تحت تاثیر سه دسته از عوامل می‌دانند که عبارتند از: عوامل تقویت کننده، عوامل تضعیف و عوامل اصلاح کننده.^۱

«مهدویت»، از جمله آموزه‌های دین اسلام است که در صورت تبیین صحیح آن، با توجه به اشتراک این اندیشه در میان قریب به اتفاق مذاهب اسلامی، می‌تواند نقش ویژه‌ای در تقویت همبستگی ملی و وحدت اسلامی ایفا کند؛ اما با تحریف و به انحراف کشاندن این باور، می‌توان آن را به عامل ضد همبستگی ملی و اتحاد اسلامی تبدیل و جامعه را با چالش‌هایی همراه کرد. یکی از این جریان‌های انحرافی معاصر، جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی است که با ادعای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و با خوانشی انحرافی از مهدویت و اعتقاد به خروج اسلام راستین از موضع و جایگاه اصلی خود، این عقیده وحدت بخش را به عاملی تفرقه و شکاف در میان امت اسلام تبدیل و با ادعای نیابت و وکالت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، چالش‌هایی برای همبستگی ملی و اتحاد اسلامی ایجاد کرده است.

پژوهش حاضر بدان رو ضروری می‌نماید که با ایجاد بینش صحیح به آسیب‌های مخرب این جریان برای اتحاد و همبستگی ملی و اسلامی، از گرایش افراد ناآگاه به آن جلوگیری شود و از آن جا که جامعه هدف منصورهاشمی جذب قشر جوان و تحصیلکرده است و افرادی مانند «الف-ب» و «ب-الف»^۲ جذب آن شده‌اند، ضرورت بصیرت‌افزایی جوانان را در این زمینه دو چندان

۱. قرخلو، تحکیم همبستگی ملی با تاکید بر عناصر جغرافیایی فرهنگی در ایران، ص ۷۵.

۲. آرشو فرقی مرکز تخصصی مهدویت؛ سایت منصورهاشمی خراسانی.

می‌کند.

از این رو، پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی و تحلیل نقش جریان منصورهاشمی در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، تلاش دارد به این سوالات پاسخ دهد:

- نقش منصورهاشمی خراسانی در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی چیست؟
- این خوانش انحرافی از مهدویت چگونه بر تفرقه و شکاف در جامعه اسلامی ایران دامن می‌زند؟

- جریان منصورهاشمی خراسانی با استفاده از چه عناصری در صدد ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی است؟

در مورد جریان منصورهاشمی خراسانی و نقد و بررسی آن می‌توان به دو کتاب آقای علی محمدی هوشیار به نام‌های «پرچم‌های تاریکی» و «توهم بازگشت» و یک مقاله با عنوان «بررسی ادعاهای منصورهاشمی خراسانی در زمینه‌سازی ظهور»، نوشته فاطمه ملاشاهی و حسین الاهی نژاد و محمد جاودان اشاره کرد. در زمینه مهدویت و همبستگی ملی نیز به یک مقاله با نام «تبیین جامعه شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی»، نوشته شمس الله مریجی و اسماعیل چراغی کوتیانی اشاره کرد؛ اما مقاله مستقلی در مورد نقش این جریان در ایجاد همبستگی ملی و وحدت اسلامی به صورت جداگانه مشاهده نشد.

آنچه به عنوان فرضیه در این جستار مطرح است، این‌که:

«جریان منصورهاشمی خراسانی، با توجه به تحت تاثیر قرار دادن طبقه تحصیل کرده و جذب آن‌ها، در آینده خطری جدی برای همبستگی ملی و اتحاد اسلامی در جامعه ایران خواهد بود.»

اصطلاح‌شناسی

در ادامه به دلیل وجود برخی واژگان و برداشت‌های متفاوتی که امکان دارد از آن‌ها شود؛ به تبیین مفاهیم مورد نظر می‌پردازیم که عبارت است از: جریان، انحراف، اتحاد ملی و وحدت اسلامی.

جریان انحرافی

«جریان» از نظر لغوی به معنای روان شدن، وقوع یافتن امری^۱ و نیز مجموعه‌ای از اعمال و رویدادها و اندیشه‌هاست که برای رسیدن به هدفی خاص باشد و در اصطلاح عبارت است: حرکتی ادامه دار که بر مبنای تفکر و عقیده‌ای مشخص شکل گرفته و به دنبال تاثیر گذاری بر عموم مردم جامعه است.^۲

«انحراف» در لغت به معنای خم شدن، کج شدن، کج رفتن و کج اندیشی آمده است^۳ و در اصطلاح، به جریان، مسلک، اندیشه و تفکری گفته می‌شود که به برداشت غلط از مبانی مشترک اقدام می‌کند.

«جریان انحرافی» در این مقاله، به معنای جریانی است که نوع فعالیت آن در عرصه مهدویت با ارزش‌های پذیرفته شده مهدویت همسو نیست و اثرهای نامطلوبی بر حوزه اندیشه مهدوی و معتقدان به آن ایجاد می‌کند.

وحدت اسلامی

«وحدت»: از ریشه (و.ح.د) مصدر است و در لغت به معنای یگانه شدن و انفراد است^۴ و در ادبیات فارسی به معنای همبستگی، یکدلی، موافقت و باهم بودن در یک امر آمده است.^۵ وحدت در اصطلاح عبارت است از: رسیدن به نوعی یگانگی و همگونی منافع و اهداف، با در نظر داشتن دو عنصر، حفظ خاصیت شخصی و یکی شدن. بنابراین، هرگاه چند چیز، با حفظ خاصیت شخصی خود، با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد و وحدتی که در آن ارکان اسلامی با هدف دست یابی به منافع و اهداف اسلام در آن لحاظ شده باشد، «وحدت اسلامی»

۱. معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۳۰.

۲. اسکندری، درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، ص ۳۶.

۳. معین، فرهنگ معین، ص ۲۰۰.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۵۰.

۵. معین، فرهنگ معین، ص ۲۰۰.

خوانده می‌شود.^۱ «وحدت اسلامی» در این مقاله عبارت است از: همکاری و تعاون مذاهب اسلامی براساس اصول مسلم و مشترک التزام قلبی و عملی هریک از مسلمانان به مذهب خود.

همبستگی ملی

«همبستگی ملی» از لحاظ لغت عبارت است از: وحدت، وفاق و وفاداری که ناشی از احساسات، علائق و همدلی و کنش‌های مشترک است. در تعریف اصطلاحی همبستگی اجتماعی تعریف‌های مختلفی ذکر شده است که با توجه به آن‌ها می‌توان گفت همبستگی اجتماعی عبارت است از: پیوند میان افراد جامعه بر مبنای فرهنگ مشترک و احساسات ناشی از آن.^۲ «چالمرز جانسون» بقای نظم و همبستگی اجتماعی را در حالت تعادلی جامعه می‌داند و ظهور گروه‌های عقیدتی، و افزایش ایدئولوژی‌های گوناگون را از مهم‌ترین عواملی می‌داند که موجب عدم تعادل جامعه می‌باشد^۳ که نتیجه آن، گسست و اختلاف در اجتماع خواهد بود.

جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی، از جمله این گروه‌های انحرافی عقیدتی است که تهدیدی برای اتحاد اسلامی و همبستگی ملی در ایران به شمار می‌رود و برای درهم شکستن همبستگی و ایجاد شکاف در جامعه ایران تلاش می‌کند. بنابراین، در ادامه به اختصار، به معرفی این جریان می‌پردازیم و به برخی از ادعاهای منصورهاشمی و فعالیت‌های او و پیروان این جریان اشاره می‌کنیم و سپس به نقش این جریان در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی خواهیم پرداخت.

۱. جریان منصورهاشمی

این جریان انحرافی مهدوی در دهه اخیر به وجود آمده است و تلاش دارد با سوء استفاده از اندیشه مهدویت، باورمندان به این آموزه را از مسیر اصلی اسلام منحرف کند. این جریان به شخصی به نام منصورهاشمی خراسانی منسوب است. نام واقعی او علیرضا بابایی آریا، متولد

۱. جوادی املی، ولایت فقیه رهبری در اسلام، ص ۱۵ و ناصری، موانع وحدت در جهان اسلام، ص ۱۳.

۲. یعقوبی، تبیین عوامل تهدیدگر همبستگی اجتماعی ایران عصر مشروطیت، ص ۳۳۰.

۳. جانسون، تحول انقلابی، ص ۷۴ و ۱۳۰.

(۱۳۶۳ش) در تهران است.^۱ وی که از سال (۱۳۸۵ش) فعالیت مخفیانه فرقه‌ای خود را شروع کرده و از سال ۱۳۹۱ شمسی به طور علنی تبلیغ جریان خود را آغاز کرده و به شکلی سازمان یافته، با ایجاد جریانی نام «نهضت علامه منصورهاشمی خراسانی» و «نهضت بازگشت به اسلام» در تلاش است تا اندیشه‌های خود را در میان مسلمین و به‌طور ویژه در میان پیروان تشیع در ایران گسترش دهد.^۲

الف) ادعاهای منصورهاشمی خراسانی

نفاق و دورویی پدیده شوم و خطرناکی است که در هر عصر و زمانی وجود داشته است و می‌تواند وحدت و همبستگی هر جامعه را از درون مورد تهدید قرار دهد. خداوند در قرآن از نقش خطر آفرین منافقان و فتنه‌گری آنان در اجتماع مسلمین سخن گفته و در سوره «منافقون»، منافق را کسی می‌داند که با تظاهر به ایمان و پناه گرفتن در پوششی فریبنده و مقدس سعی می‌کند آرام و نامحسوس، توطئه مخربی را ضد مذهب و صفوف یکپارچه اهل ایمان به وجود آورد.^۳

منصورهاشمی خراسانی با همین شاخصه‌هایی که قرآن کریم برای منافقان برمی‌شمارد، مدعی است که هیچ ادعایی نداشته و تنها در تلاش است با ایجاد بستر برای ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج‌الشریف، حاکمیت معصوم را جهان در تحقق بخشد؛^۴ اما رصد مطالب منتشر شده از منصورهاشمی، گواه بطلان بی‌ادعایی اوست. برای نمونه به چند مورد از ادعاهای او اشاره می‌کنیم:

۱. من مهدی هستم: «من مهدی به سوی خدا و خلیفه‌اش هستم؛ ولی مهدی، مهدی ال‌البیت است.»^۵

۱. هوشیار، توهم بازگشت، ص ۴۳.

۲. همان.

۳. «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّكُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون: ۴).

۴. هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۶۷.

۵. همان، منهاج الرسول، ص ۱۳۸.

۲. منصور زمینه ساز ظهور مهدی است: عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد و گفت: مردی از اهل علم از من خواست که برای او از جناب منصور اذن بگیرم تا به خدمتشان برسد... پس چون از نزد ایشان بیرون آمد... گفتم: آیا از او نپرسیدی که کیست؟! گفت: چرا؛ از او پرسیدم که تو کیستی؟ فرمود: اما من مردی از امت محمد ﷺ هستم که برای حکومت مردی از عترت او به نام مهدی زمینه سازی می‌کنم.^۱

۳. هر حکومتی غیر حکومت خلیفه خدا باطل است: «هر کس، ولو با ادعای شایستگی و زمینه‌سازی به تأسیس یک حکومت متعارف اقدام کند؛ طاغوت است... هیچ حکومت متعارفی در جهان جز حکومت انسان کامل نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد... اگرچه خود را اسلامی یا حتی در صدد زمینه‌سازی برای حکومت انسان کامل بداند.»^۲

ب) فعالیت‌های پیروان

براساس بررسی می‌دانی و رصد فعالیت‌های این فرقه می‌توان گفت، این جریان با دست گذاشتن بر مؤلفه‌های ضعف مردم و برخورد عاطفی با افراد و استفاده از اصطلاحات جذاب در تلاش برای جذب افراد جدید به سوی خود بوده و فعالیت است را در چند بخش پی‌گیری می‌کند:

۱. ساخت پایگاه و سایت‌های اینترنتی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی؛
۲. ساخت و انتشار برنامه‌های صوتی و تصویری جذاب؛
۳. چاپ کتاب و مقالات و جزوات و انتشار آن در فضای حقیقی و مجازی؛
۴. تبلیغ چهره به چهره.

در مجموع می‌توان فعالیت این جریان را در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی در دو بخش «عقیدتی و آرمانی» و «کرداری و رفتاری» تحلیل و بررسی کرد و از آن‌جا که جامعه شناسان، ارزش‌ها، هنجارها و نهادها را از جمله مولفه‌های لازم برای ایجاد همبستگی ملی

۱. همان، ص ۱۵۸.

۲. همان، هندسه عدالت، ص ۶۸.

می‌دانند^۱ و ارزش‌ها و باورهای جامعه در بعد عقیدتی و هنجارها و فعالیت نهادها در بعد رفتاری جای می‌گیرند؛ در ادامه به نقش جریان منصورهاشمی خراسانی در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی در سه محور چالش در ارزش‌ها، چالش در هنجارها و چالش در نهادها خواهیم پرداخت:

۱. چالش در ارزش‌های مشترک

یکی از عوامل کلیدی در ایجاد همبستگی و اتحاد ملی و اسلامی، باورها و ارزش‌های مشترک هر جامعه می‌باشد؛ زیرا این ارزش‌ها و عقاید هستند که غایت زندگی را تعیین و عمل و رفتار اعضای جامعه را به سوی آن هدف هدایت می‌کند. هرچه ارزش‌های جامعه مترقی باشند، فکر و فرهنگ جامعه نیز مترقی و محوریت این ارزش‌ها مانع گسست در جامعه خواهد بود. بر همین اساس، منصورهاشمی با ادعای نیابت و وصایت از سوی امام زمان^۲ با تحریف آموزه‌های اسلامی با خوانشی انحرافی از ارزش‌های جامعه، در تلاش است تا وحدت و یکپارچگی جامعه را از بین ببرد و ستیز و نزاع را در میان اعضای جامعه نهادینه کند.

۱-۱. چالش مسلمانان از قرآن

قرآن کریم منبع اصلی دین اسلام می‌باشد که در بردارنده اعتقادات مشترک فراوانی از مذاهب اسلامی است و می‌تواند در ایجاد همبستگی ملی و وحدت اسلامی نقش محوری داشته باشد؛ اما باید توجه داشت که قرآن کریم در صورت تبیین و تفسیر نادرست و یا اخذ به متشابهات و تاویلات ناصحیح، همان‌طور که خداوند عزوجل فرموده است مایه فتنه و تفرقه خواهد بود.^۳ بنابراین، بی‌اعتنایی به تفاسیر مسلمین و انحرافی خواندن آن‌ها و سایر منابع دینی توسط منصورهاشمی و معرفی او به عنوان تنها فرد آگاه به تفسیر و تاویل قرآن توسط این جریان

۱. مصباح یزدی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۶.

۲. هاشمی خراسانی، منهاج الرسول، ص ۱۵۸.

۳. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷)

انحرافی؛ موجب شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی خواهد بود که در این زمینه می‌گویند: علامه منصورهاشمی خراسانی رحمته الله علیه از راسخان در علم است که بحمد الله در میان ما حضور دارد و بدون هیچ مزد و منتی ما را از تأویل آن‌ها مانند سایر حقایق اسلام آگاه می‌کند.^۱ «پس از پیامبر صلی الله علیه و آله امت اسلام به همان انحرافی که مسیحیت و یهود دچار شد، گرفتار گشته و منحرف شدند و عقاید انحرافی خود را مبنای تفسیر قرآن قرار دادند تا جایی که کتاب‌های حدیثی مسلمانان، از قصه‌ها و اسطوره‌های یهودیان و مسیحیان آکنده شد و گزارش‌های مغلوب و مکذوب آنان از تورات و انجیل، مبنای تفسیر قرآن قرار گرفت.»^۲

این جریان برای ایجاد تمایز با دیگر جریان‌ها که شیوه متداول در هر فرقه انحرافی است و معرفی خود به عنوان تنها راه صحیح همراه با ادعای وصایت و نیابت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و معرفی فهم خود از قرآن به عنوان تنها تفسیر صحیح از آن به اختلاف بین مسلمانان دامن زده است؛ زیرا اشاعه این اندیشه در جامعه مسلمین، علاوه بر ایجاد بدبینی نسبت به آموزه مهدیت در خوانش شیعیان نزد دیگر مذاهب اسلامی (اهل سنت)، مانع ایجاد همبستگی ملی به دلیل حضور سایر مذاهب اسلامی در ایران و اتحاد اسلامی با مسلمانان دیگر کشورها خواهد بود و مهم‌تر از آن، با جذب تعدادی افراد ناآگاه به مبنای اسلامی، جریان انحرافی دیگری در امت اسلام پدید آورده که خود به طور مستقیم، عامل تفرقه و شقاق در میان مسلمین است.

۱-۲. ایجاد ناامیدی از برقراری عدالت

«عدالت خواهی» از مهم‌ترین صفات و روحیات آرمان خواهانه انسان است که گسترش آن در میان مردم، موجب اتحاد و همدلی است و ایجاد چالش در آن و القای حس نابرابری اجتماعی و القای حس ناتوانی حکومت در اجرای عدالت، از اموری است که موجب تنش و اصطکاک در میان افراد جامعه و یا حاکمیت می‌شود و به اتحاد و همدلی اعضای جوامع لطمه خواهد زد. منصورهاشمی خراسانی با سوء استفاده از این روحیه، با خوانشی مغالطه آمیز از گسترش

۱. پرسش و پاسخ، کد ۱۳۱، سایت منصورهاشمی خراسانی.

۲. ر.ک: سبزواری، درس چهل و هشتم، آمیزش با ملل و فرهنگ‌های غیراسلامی، ج ۱.

۳. «ما در کتاب‌ها می‌یابیم که تو وزیر مهدی و وصی او هستی که به تو وصیت خواهد کرد!» (هاشمی خراسانی، منهاج الرسول، ص ۱۵۸).

عدالت،^۱ تلاش دارد به مخاطبان خود چنین القا کند که انتظار برقراری عدالت توسط جمهوری اسلامی، انتظاری غیر منطقی است و افراد جامعه باید برای رسیدن به عدالت به این جریان (جریان منصورهاشمی خراسانی) بپیوندند. از این رو در این زمینه می‌نویسد:

عدالت تنها در حکومت خداوند است؛ حکومتی که به دست خلیفه مهدیش تحقق می‌یابد، نه به دست غیر او و خلفا و شاهان و فقیهان در این امر با هم برابرند، جز آن که در شیوه ظلم تفاوت دارند و برخی بیش از برخی دیگر ستم می‌کنند... دنیای شما جز با عدالت اصلاح نمی‌شود و آخرت شما جز با عدالت سامان نمی‌پذیرد و عدالت جز با حکومت مهدی امکان نمی‌یابد و حکومت مهدی جز با همیاری شما شکل نمی‌گیرد؛ ولی بیش تر شما نمی‌دانید.^۲

این جریان، وصف «جمهوری اسلامی» را یک تناقض و دروغ بزرگ دانسته است و دستیابی به عدالت را در چنین نظامی ممکن نمی‌داند^۳ و نظام جمهوری اسلامی حکومت اکثریت شیعه بر اقلیت معرفی کرده است و می‌گوید:

دموکراسی، چیزی جز حکومت اکثریت بر اقلیت نیست و این معنایی جز «استبداد اکثریت» و «انتخاب مستبد» ندارد؛ چراکه از یک سو اکثریت مردم، تنها به این دلیل که تعدادشان بیش تر است، بر اقلیت مردم سلطه می‌یابند و برای آنان تعیین تکلیف می‌کنند؛ در حالی که ممکن است اقلیت مردم از اکثریت‌شان داناتر و شایسته‌تر باشند.^۴

منصورهاشمی خراسانی با ایجاد یأس در مردم و تحریک احساسات اقلیت‌های موجود در جامعه تلاش دارد اعضای جامعه را در برابر یکدیگر قرار دهد و با معرفی نظام جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی مشکلات، مردم را به مخالفت با نظام کشانده و در یکپارچگی و اتحاد ملی خلل ایجاد کند.

۳-۱. تردید در مبارزه با ستمگران

ظلم و ظالم از واژه‌هایی است که در قرآن و روایات اسلامی توجه ویژه‌ای بدان شده است و

۱. منصورهاشمی در کتاب بازگشت به اسلام و هندسه عدالت به تفصیل به تبیین این مطلب پرداخته است.

۲. همان، سبل السلام، ص ۶۱.

۳. حکیمی، پارادوکس جمهوری اسلامی، ب مقالات، ش ۹۲، پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی.

۴. ناکرم‌معروف، ثالث شیطان، موانع سه‌گانه ظهور امام مهدی عج، ب مقالات، ش ۶۳ (همان).

قرآن کریم و روایات مسلمانان را برای مقابله با آن فرا خوانده و سکوت در برابر ظالم را روا ندانسته‌اند. از این رو بر اساس روایات اسلامی یکی از اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح مبارزه با ظلم و برقراری عدالت معرفی شده است.^۱ بر اساس روایات و آیات قرآن کریم نه تنها ایستادگی در برابر ظالم و دفاع از حق خود واجب است، بلکه دفاع از تمام مسلمین در برابر ظالم نیز از وظایف مومنان شمرده شده است؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید: «هرکس دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود؛ اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست.»^۲

بنابراین از آن‌جا که ظلم ستیزی و مقابله با ظالمان و دفاع از مسلمین جهان، می‌تواند یکی از عوامل مهم ایجاد وحدت بین تمام مسلمانان در داخل و بیرون از مرزها شود و آن‌ها را هر چه بیش‌تر به یکدیگر نزدیک کند؛ از سوی این جریان دچار چالش گشته است و منصورهاشمی بر اساس نگرشی که از حکومت دارد، هماهنگ با اهداف استعمارگران که همان ایجاد تفرقه و نزاع در میان مسلمانان است، گام برداشته و هر گونه دفاع از مسلمانان سایر کشورها را مصداقی از تلاش برای بقای حکومت نامشروع و طاغوتی آن‌ها دانسته است و می‌نویسد:

کسانی که در راه ایجاد یا حفظ حاکمیت پیشوایانی جز مهدی کشته می‌شوند، مردارند و شهید نامیدن آنان فریبی بیش نیست؛ زیرا شهید در اسلام کسی است که در راه ایجاد و حفظ حاکمیت خلیفه خدا در زمین کشته می‌شود... چنین کسی در دوران کنونی جز منصورهاشمی خراسانی و یاران ... نیست.^۳

هاشمی در جای دیگر با توهین به مدافعان حرم می‌گوید:

از این‌جا دانسته می‌شود که بذل مال و جان با هدف ایجاد حاکمیت غیر خداوند، به معنای حاکمیت کسی که از جانب خداوند ... گماشته نشده است، جهاد نیست... مانند سفیهانی که اکنون از اقصای زمین به سوی عراق و شام سرازیرند تا برای ایجا حاکمیت مردی از خود بجنگند

۱. «يَكُونُ مِنَ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸).

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. هاشمی، منهاج الرسول، ص ۱۷۹.

که می‌دانند خداوند او را برای حاکمیت بر زمین نگماشته است.^۱

فرقه‌های انحرافی مهدوی، به دلیل آن که حکومت‌های شیعی را به سبب زمینه‌سازی برای ظهور، مهم‌ترین مانع خود می‌دانند و بر اساس روحیه استبدادی حاکم بر فرقه‌ها و معرفی خود به عنوان تنها راه نجات، نفرت پراکنی علیه حکومت‌های شیعی را در دستور کار قرار می‌دهند که نمونه آن را می‌توان در فرقه انحرافی بابیت و بهائیت مشاهده نمود.^۲

برهمن اساس، منصورهاشمی خراسانی، از آن‌جا که مهم‌ترین مؤلفه انقلاب اسلامی ایران را تفکر استکبار ستیزی و زمینه سازی برای ظهور می‌داند؛ این انقلاب را مهم‌ترین مانع دیگر جریان انحرافی خود تعریف می‌کند و در تلاش است به هر شکل ممکن از گسترش این انقلاب در دیگر نقاط جهان جلوگیری کند؛ به‌ویژه که دفاع از مسلمانان سایر کشورها، علاوه بر انسجام و همدلی در داخل کشور، موجب استحکام برادری میان مسلمین در دیگر نقاط جهان خواهد بود و عرصه برای جولان این فرقه تنگ‌تر خواهد کرد.

۲. ناهنجاری در جامعه مسلمین

«هنجار»، از منظر واژه‌شناسی، معادل «معیار» و «قاعده» در زبان عربی^۳ و «Norm» در زبان لاتین به کار رفته که به معنای راه، روش، راه راست، جاده، قاعده رفتار و قانون است.^۴ هنجار در ادبیات جامعه‌شناسی، معیار رفتاری ثابت است که به لحاظ فکری و رفتاری، رعایت آن انتظار می‌رود و می‌تواند در میان فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد و زمینه تحقق ارزش‌های جامعه را ایجاد کند^۵ و تمامی اعضای جامعه در سایه آگاهی از هنجارها و زمینه فرهنگی مشترک، می‌توانند رفتارهای متناسب با انتظارات دیگران را انجام دهند و درستی یا نادرستی رفتار افراد

۱. همان، بازگشت به اسلام، ص ۲۸۰.

۲. «بر هر صاحب اقتداری ثابت بوده و هست من عند الله بر این که نگذارد در ارض غیر مؤمن به بیان را (شیرازی، بیان فارسی، ص ۲۶۲).

۳. تونجی، المعجم الذهبی، ص ۶۱۱.

۴. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۱۱۷ و عمید، فرهنگ عمید، ص ۱۰۷۱.

۵. کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵۸ و ۵۹.

جامعه را تشخیص دهند.^۱

یکی از اقسام هنجارها، «قوانین اجتماعی» که در جامعه با خواست و آگاهی و از طریق مجالس قانونگذاری وضع می‌شوند. قوانین، هنجارهای رسمیت یافته برخوردار از نیروی حقوقی یا سیاسی هستند، مانند قوانین و مقررات رسمی، ملی و سیاسی. جریان منصورهاشمی با ایجاد تضادهای هنجاری که به طورکلی یا جزئی با اصول ثابت و پذیرفته شده در جامعه مسلمین مخالفاند، به تفرقه در وحدت ملی و اسلامی دامن می‌زند.

۱-۲. ترویج قانون‌گریزی

بنیان‌های حقوقی، به ویژه قوانین اساسی، از سازکارهای وحدت‌آفرین و تقویت‌کننده اتحاد و همبستگی ملی در هر کشوری به شمار می‌آیند و ایجاد اختلال در آن، می‌تواند به شکاف در وحدت جامعه منجر گردد. اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به اشکال گوناگون به این مسئله توجه کرده‌اند؛ موضوعاتی مانند مشارکت و مداخله در سرنوشت، حقوق و تکالیف شهروندی، هویت ملی و دینی مشترک و لزوم توزیع عادلانه منابع؛ از جمله شاخص‌های همبستگی ملی و اتحاد اسلامی‌اند که در قانون اساسی به صراحت به آن‌ها اشاره شده است.^۲

بندهای ۱۵ و ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، یکی از وظایف دولت اسلامی را «توسعه و استحکام برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» و «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلامی و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمین» معرفی و دولت را به فراهم آوردن زمینه‌های آن مکلف کرده است^۳ که می‌تواند زمینه اتحاد ملی و اسلامی بر پایه باورهای مشترک از جمله مهدویت، فراهم آورد؛ اما جریان منصورهاشمی، به صراحت مخالفت خود را با قانون اساسی که این قانون می‌تواند زمینه ساز همبستگی ملی و وحدت اسلامی گردد؛ اعلام کرده است:

«اصلاح‌طلب» در ادبیات سیاسی ایران، کسی است که قانون اساسی این کشور را قبول دارد، ...

۱. نظری، ارزشها و هنجارهای مطلوب اجتماعی از منظر اسلام، ص ۳۱.

۲. مطلبی، بن‌مایه‌های همبستگی ملی در قانون اساسی، زمانه، ۱۳۸۶، شماره ۶۳.

۳. قانون اساسی، اصل سوم بند ۱۵ و ۱۶.

منصور هاشمی خراسانی «اصلاح طلب»، «اصول گرا»، «اعتدال گرا» و «انقلابی» محسوب نمی شود؛ چراکه ایشان قانونی اساسی جز کتاب خداوند و سنت پیامبر را قبول ندارد و حکومتی جز حکومت خلیفه خداوند در زمین را مشروع نمی داند و به مصالحی جز مصالح عموم مسلمانان جهان متعهد نیست.^۱

بسیار واضح است که بی توجهی به قانون اساسی، با ادعای زمینه سازی برای ظهور، از سوی منصورهاشمی، به تدریج به ایجاد هنجارهایی می انجامد که ماهیت بدعت آمیز دارند و با هنجارهای قبلی در تضادند. با پیدایش این نوع تضاد هنجاری که بر اثر وجود دو هنجار گوناگون برای یک امر اجتماعی پدید می آید؛ مردم در پیروی از آن ها دچار سردرگمی می شوند و جامعه به سوی بی نظمی پیش می رود که در نهایت به ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی منجر خواهد شد.

۲-۲. دعوت به خروج علیه حکومت های اسلامی

اصل در روابط بین الملل، داشتن روابط نیکو با احترام متقابل به حاکمیت تمام کشورهای جهان است و به عنوان قاعده ای تثبیت شده بین المللی شناخته شده است. اصل حاکمیت حکومت ها در واقع سنگ بنای نظم حقوقی تلقی می شود و یکی از آثار آن، حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت ها می باشد؛^۲ که این قاعده از سوی کشورهای اسلامی نیز پذیرفته شده است. برای مثال، اصل ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ قانون اساسی ایران بر نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال و خودداری از دخالت در امور داخلی ملت ها و بر روابط صلح آمیز با دولت های غیر محارب تاکید کرده است.^۳

اما جریان منصور هاشمی خراسانی با معرفی حاکمان جهان اسلام به عنوان حاکمان ظالم، جامعه مسلمین را به خروج علیه دولت های خود فرا خوانده و آن دسته از هنجارهای بین المللی که از سوی کشورها برای ثبات و آرامش در جهان پذیرفته شده، زیر پا نهاده است و این اندیشه را

۱. پایگاه منصورهاشمی خراسانی، نقد و بررسی، کد ۸۳.

۲. ر.ک: میر ترابی و طیبی، تعامل ارضی با حقوق و آزادی مشروع از منظر ملی و بین المللی، ص ۱۰۸.

۳. قانون اساسی، اصل ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴.

با تکیه بر مفاهیم شیعی از مهدویت که همان زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام می‌باشد، با خوانشی که به شکاف و گسست در جامعه اسلامی منجر می‌گردد، ترویج می‌کند. لذا در این زمینه می‌گوید:

اعتقاد به وجوب اطاعت از حاکمان ظالم و حفظ آن‌ها، از شوم‌ترین عقاید رایج در میان مسلمانان بوده که موجب وهن اسلام و سقوط تمدن اسلامی و گسترش موانع شناخت در میان مسلمانان شده است.... و اهل حدیث، چونان مزدورانی دست‌نشانده، همواره در خدمت آن‌ها بوده‌اند؛... اکنون نیز بازماندگانی از آنان که خود را اهل سنت و جماعت می‌شمارند حاکمان ظالم را بر سرزمین خود مسلط ساخته‌اند... تا جایی که مستبدترین و فاسدترین حکومت‌ها، در سرزمین‌های اسلامی هستند... و خروج مسلمانان بر علیه آن‌ها به سبب ظلمشان جایز است... در این میان، مسلمانان برای بازگشت به اسلام، راهی جز تحریم اطاعت از حاکمان ظالم و ترک آن، بلکه خروج بر آنان به رغم همه پیامدهایش برای تبدیل آنان با حاکمی عادل ندارند.^۱

۳. چالش در نهادها

«نهاد»، در ادبیات فارسی دارای معانی متعددی است؛ از جمله استقرار، سرشت، طینت، آفرینش، سنت و قرار داد.^۲ در اصطلاح جامعه‌شناسی، نهاد، نظامی است به نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه، در بر می‌گیرد. به طور معمول، پنج نهاد بنیادی را می‌توان در همه جوامع شناسایی کرد که عبارتند از: خانواده، آموزش و پرورش، دین، اقتصاد و حکومت که در ادامه به سه مورد از این موارد اشاره خواهیم کرد. نکته‌ای که در زمینه با نهادها باید حتما مورد توجه قرار گیرد، این است که تغییر در یک نهاد می‌تواند به تغییر در سایر نهادها منجر شود و اثر مثبت یا منفی بر سایر نهادها ایجاد کند.^۳

۱. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۶۱-۶۳.

۲. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۰۵.

۳. کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۷.

۳-۱. نفوذ و چالش در نهاد خانواده

«خانواده» از ابتدای تاریخ به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیر بنای جوامع و خاستگاه فرهنگ، تمدن و تاریخ بشر بوده است. خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال بزرگ‌ترین واحد تربیتی در جوامع به‌شمار می‌رود. خانواده نهادی است که چالش در آن می‌تواند بر سایر نهادها مانند آموزش و پرورش و حکومت تاثیر گذار باشد و حرکت جامعه را به سوی اهدافش تسریع یا آن را با اخلال مواجه کند. جریان منصورهاشمی خراسانی با اطلاع از تاثیر این نهاد بر گسترش افکار انحرافی جریان، در گام اول سعی دارد به‌وسیله افراد جذب شده تمام اعضای خانواده را به سوی خود جلب کند؛ اما در صورت عدم موفقیت سعی خود را برای فروپاشی خانواده صرف و افراد جذب شده را به رویارویی و مخالفت با اعضای خانواده تشویق می‌کند. در همین زمینه پرسش یکی از پیروان خود در زمینه ازدواج و پاسخ به وی را ملاحظه کنید:

من زنی از دوستانان نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام هستم و قصد ازدواج با مردی از دوستانان نهضت را دارم؛ ولی پدرم شدیداً با نهضت مخالف است و اگر از قصد من مطلع شود، اجازه نمی‌دهد... اگر به او دروغ بگویم... عقد باطل است؟
درپاسخ می‌گوید:

دختر بالغ، عاقل و رشیدی که قبلاً ازدواج نکرده است، در صورتی مجاز به ازدواج بدون اذن پدرش نیست که پدرش سفیه یا ظالم نباشد؛ به این معنا که او را از روی سفاهت یا ظلم، از ازدواج با مؤمنی که کفو اوست، باز ندارد؛ چراکه اگر سفیه یا ظالم باشد، ولایتی برای او نیست و دختر می‌تواند با وجود مخالفت او، با مؤمنی که کفو اوست، ازدواج کند؛ با توجه به این که سفیه، خود نیازمند ولایت دیگری است و اهلیت آن را ندارد که بر دیگری ولایت داشته باشد.^۲

بنابراین، نفوذ اندیشه انحرافی این جریان در میان خانواده‌ها علاوه بر این که برای سلامت فکری و فیزیکی افراد خانواده تهدید به‌شمار می‌رود و می‌تواند اختلافات مذهبی و دینی را در محیط خانه دامن زند؛ می‌تواند به تدریج با جذب افراد و نفوذ دادن آن‌ها در میان اعضای این

۱. حسینی، روشنفکران برده، کد ۱۰۳، پایگاه اطلاع رسانی منصورهاشمی.

۲. پایگاه اطلاع رسانی منصورهاشمی، پرسش و پاسخ، کد ۴۷۷.

نهاد، این اندیشه انحرافی را به نوعی گفتمان در جامعه تبدیل کند و به دلیل افکار انحرافی و با توجه به تفسیر منصورهاشمی از حکومت، وحدت اسلامی، موانع ظهور و ایجاد زمینه سازی، نشر این تفکر چالش جدی برای ایجاد همدلی و انسجام در جامعه مسلمین گردد.

۳-۲. گسست در نهاد آموزش و پرورش

برای درک بهتر جایگاه نهاد «آموزش و پرورش»، ابتدا به تعریف آن می‌پردازیم و در ادامه به فعالیت‌های جریان منصورهاشمی برای تاثیر گذاری و نفوذ بر آن می‌پردازیم. آموزش پرورش به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت‌های مطلوب رفتار و یا منش به فرد آموخته می‌شود.^۱ آموزش رسمی یکی از راه‌های تبدیل جمعیتی مرکب از گروه‌های مختلف با سابقه فرهنگی متفاوت به اجتماعی است که تا حدودی هویت ملی مشترکی پیدا کرده‌اند.^۲ بدین ترتیب آموزش و پرورش، عامل ماندگار کردن جامعه با ایجاد هویتی مشترک در بین اعضای جامعه است.

تلاش فرقه‌ها برای نفوذ در آموزش و پرورش، اقدام تازه‌ای نیست و می‌توان سابقه آن را در دوران پهلوی اول و دوم توسط بهائیت نیز مشاهده کرد^۳ که به دلیل تاثیرگذاری این نهاد بر سایر نهادها، تلاش مذکور از سوی فرقه‌های انحرافی دنبال می‌شود. منصورهاشمی برای آن که مانع دستیابی پیروان خود به آموزه‌های صحیح اسلامی شود و مخاطبان خود را در جهل نگه دارد، از سویی به آن‌ها توصیه می‌کند از حضور فرزندان خود در مدارس جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کنند و لذا در همین زمینه در پاسخ به یکی از سوال کنندگان می‌نویسد:

فساد اخلاقی حاکم بر جامعه، به مدارس آن سرایت می‌کند و دنیای پاک کودکانش را می‌آلود؛... با این وصف، فرستادن کودکان به مدارس طاغوت، اعانتی بر اثم و عدوان، بل جنایتی در حق آنان محسوب می‌شود که جایز نیست.^۴

۱. کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۹۴.

۲. همان.

۳. مجدآبادی، نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی به روایت اسناد، ص ۳۶.

۴. پایگاه منصورهاشمی خراسانی، نقد و بررسی، کد ۹۹.

از طرفی دیگر، با نفوذ دادن عناصر فریب خورده توسط جریان، آن‌ها را به ترویج و نشر این گروه انحرافی در میان این نهاد تشویق می‌کند و در پاسخ دانشجوی تحصیلات تکمیلی الهیات و دبیر دینی که از این جریان کسب تکلیف کرده است، می‌نویسد:

انسان نسبت به حق، چهار تکلیف دارد: یکی آن‌که از حیث نظری، آن را بشناسد و پذیرا گردد... سه دیگر آن‌که از حیث نظری دیگران را به «ایمان»، یعنی شناخت حق و پذیرش آن دعوت کند و این «تواصی به حق» شمرده می‌شود؛ چهار دیگر آن‌که از حیث عملی دیگران را به «عمل صالح»، یعنی پایبندی به حق و عینیت بخشیدن به آن دعوت کند که تکلیفی اجتماعی است. به این ترتیب، نخست با تلمذ در مکتب این عالم مبارز، او را بشناسید و سپس به اطلاع دیگران برسانید؛ تا رفته رفته این اندیشه، دغدغه و آرمان مسلمانان جهان تبدیل شود و جهان بینی طاغوتیان را تحت الشعاع قرار دهد.^۱

بنابراین، همان طور که بیان شد، از آن‌جا که این جریان، خود به عنوان مانعی مستقیم در مسیر رسیدن به وحدت اسلامی است، نشر افکار منصورهاشمی در این نهاد و نقش‌آفرینی جوانان و نوجوانان در معادلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یا سایر ابعاد جامعه، می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد اخلال در همبستگی ملی و وحدت اسلامی داشته باشد و جامعه را به تقابل با نظام و نهاد حاکمیت سوق دهد.

۳-۳. تخریب نهادهای حکومت

«نهادهای حکومتی»، نهادهایی هستند که با حفظ نظم، اجرای عدالت و حفظ جامعه در قبال بیگانگان زمینه را برای استفاده مشروع از قدرت به منظور استقرار نظام اجتماعی بر عهده دارند. این نهادها می‌توانند با اجرای برنامه‌های صحیح در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، برای دستیابی به عدالت اجتماعی، نقش مهمی را در اتحاد و همبستگی ملی و اسلامی داشته باشند و اعضای جامعه را به سوی هدفی واحد سوق دهند.

اما جریان منصورهاشمی، همان طور که گذشت، با تلاش برای تغییر در ارزش‌های جامعه و ترویج قانون‌گریزی و هنجارشکنی در جامعه و معرفی این‌گونه اقدامات، به عنوان ارزش‌ها و

۱. همان، نقدها و بررسی‌ها کد ۱۹.

هنجارهای تاثیرگذار بر ظهور امام، مردم را به اقدامات براندازانه علیه حاکمیت تشویق می‌کند. به سؤال و پاسخ ذیل دقت کنید:

سؤال: در دین اسلام، «محاربه» به چه معناست و «محارب» به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا اعمالی که حکومت ایران محاربه می‌شمارد و مرتکبان آن‌ها را به اعدام محکوم می‌کند، مصداق محاربه و مستوجب اعدام هستند؟

جواب: اقدام نظام جمهوری اسلامی ایران به اعدام برخی مخالفان تحت عنوان محاربه و افساد در زمین، مصداق «تاریکی بر روی تاریکی» است؛ چراکه نه اقدام مسلحانه بر ضد این نظام فاسد و شرور، محاربه و افساد در زمین محسوب می‌شود... این گواهی آشکار بر ماهیت غیر اسلامی این حکومت منافق و جنایت‌کار است که خود را نماینده اسلام و ولی امر مسلمانان جهان می‌شمارد؛ ولی به مهم‌ترین و واضح‌ترین احکام اسلام پایبند نیست.

این جریان در ادامه همین پاسخ در ضمن جواب سوال دیگر می‌نویسد:

هر حاکمی جز خلیفه خداوند در زمین که با سلاح خود، مردم را می‌زند تا به بیعت او داخل شوند، محارب و مفسد در زمین است و مبارزه با او به اعتبار ظلمش، جایز و مشمول یاری خداوند است. این قاعده شامل کسانی که او را در ظلمش یاری می‌دهند نیز می‌شود. بنابراین، خروج مردم بر حاکم ظالم و جنگیدن با او، اقدامی دفاعی محسوب می‌شود که در نگاه شرع مأذون است و با این وصف، کشتن مأمورانی که برای حمایت از حاکم ظالم... به اظهار و استعمال سلاح می‌پردازند، برای مردم... مباح است و گناه شمرده نمی‌شود.^۱

جریان منصورهاشمی خراسانی با ایجاد دودستگی میان اعضای جامعه و تقسیم مردم به موافق و مخالف نظام و ترویج خشونت در جامعه، با تلفیق امور عقیدتی و سیاسی به بهانه زمینه سازی ظهور، همبستگی ملی مردم ایران را نشانه رفته است و این اقدام می‌تواند نهاد حکومت را که براساس اندیشه مهدویت و نیابت امام بنا شده است، با چالش جدی مواجه کند. این جریان، با تیره کردن چهره نظام، با ادعای عدم پایبندی به اسلام و مبانی مسلمین، همسو با دشمنان جهان اسلام و استعمارگران، مانع ایجاد وحدت در جهان اسلام گردیده است و یکی از مولفه‌های اصلی حکومت‌های شیعی، از جمله نظام ولایت فقیه را ترویج و نشر توهین به صحابه و «امهات

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۵۲۰، سایت منصورهاشمی.

مومنین» مثل عایشه معرفی می‌کند.^۱

بنابراین، در مجموع می‌توان با بررسی و تحلیل این جریان به این نتیجه دست یافت که جریان منصورهاشمی خراسانی مانند سایر فرقه‌های انحرافی در عرصه مهدویت، که حیاتشان در گرو ایجاد تفرقه در میان مسلمین می‌باشد؛ برای دستیابی به این هدف در تلاش است با ترویج رفتارهای مخالف ارزشهای اسلامی در جامعه، میان اندیشه‌های موجود سایر گروه‌ها با این جریان (مانند هر فرقه انحرافی) تمایز ایجاد کند و خود را تنها راه صحیح و تنها راه رسیدن به عصر ظهور معرفی کند. از این رو در مقابل، جامعه مسلمین، به‌ویژه شیعیان می‌توانند با تبیین صحیح آموزه‌های دین اسلام، خصوصاً مهدویت، با تحریف‌زدایی از این آموزه، اخذ مشترکات مذاهب اسلامی، بیان آسیب‌های مربوط به موارد اختلافی، نقد مبانی جریان منصورهاشمی و تبیین وجوه ضعف آن، وضع قوانین بازدارنده و نهایتاً با برخورد فیزیکی؛ مانع رشد و گسترش این جریان در جامعه مسلمین، به‌ویژه در ایران شوند.

۱. جمالزهی، کتاب بازگشت به اسلام زمینه‌ساز وحدت، مقاله ۳۲، سایت منصورهاشمی.

نتیجه‌گیری

گسترش همبستگی ملی و اتحاد اسلامی در جامعه، از مسائلی است که می‌تواند کارکردهای مثبت فراوانی داشته باشد و ضامن پایایی و پویایی جامعه گردد. اندیشه مهدویت با توجه به ظرفیت بالای خود در ایجاد اتحاد و همبستگی و توان بالا در ایجاد ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای مشترک؛ می‌تواند ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند؛ اما جریان منصورهاشمی خراسانی این اندیشه وحدت بخش را با خوانشی متفاوت به عاملی ضد وحدت تبدیل کرده، با چالش در ارزش‌هایی چون عدالت طلبی، نوع دوستی و ظلم ستیزی به شکاف در جامعه دامن زده است. این جریان همچنین با تخریب هنجارهای جامعه و نهادهای آن که عبارتند از: قانون اساسی کشور، نهاد خانواده، حکومت و آموزش و پرورش؛ در راه رسیدن به همبستگی ملی و اتحاد اسلامی چالش ایجاد می‌کند.

بررسی دیگر چالش‌های منصورهاشمی خراسانی در تحقق رسیدن به همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، از طریق با تخریب جایگاه رهبری در کشور، تخریب نهادهای دینی، اقتصادی، سیاسی و آداب و رسوم مشترک و گرد همایی‌هایی که به نمادهایی برای همدلی و همبستگی تبدیل شده‌اند؛ می‌تواند از موضوعات تحقیقی در آینده باشد.

منابع

قرآن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، ۱۵ جلد، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲. اسکندری، مصطفی، *درستنامه جریان شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران*، بعثت، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۶.
۳. اسکندری، باقر، *نقد و بررسی‌ها کد ۱۹*، نشر: پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۳.
۴. اکبری، سلیمان، *نهادهای حکومتی*، سایت پژوهشکده باقر العلوم به آدرس <http://pajoohe.ir> ۲۴ آبان ۱۳۹۳.
۵. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی، پرسش و پاسخ‌ها، کد ۳۹۱.
۶. _____، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها کد ۵۲۰*.
۷. _____، *نقد و بررسی کد ۸۳*.
۸. _____، *نقد و بررسی کد ۹۹*.
۹. تونجی، محمد، *المعجم الذهبی فارسی عربی*، انتشارات اسماعلیلین، چاپ اول، تهران، بی‌تا.
۱۰. جمالزهی، عبدالمنان، *کتاب بازگشت به اسلام زمینه‌ساز وحدت*، بخش مقالات، کد ۳۲، نشر: پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۴.
۱۱. چالمرز، جانسون، *تحول انقلابی بررسی نظری پدیده انقلاب*، مترجم: حمید الیاسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۱۲. حسینی، یاسین، *روشنفکران برده کد ۱۰۳*، نشر: پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۴۰۱.
۱۳. حکیمی، مهدیار، *پارادوکس جمهوری اسلامی*، بخش مقالات، کد ۹۲، نشر: پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸.
۱۴. سبزواری، شیخ صالح، *درس چهل و هشتم، آمیزش با ملل و فرهنگ‌های غیر اسلامی*، نشر: پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، بی‌تا.

۱۵. شاکری زواردهی، روح الله، *امامت (سیری در در مبانی و مسائل کلامی امامت عامه)*، حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، قم، ۱۳۹۷.
۱۶. شیرازی، علی محمد (باب)، *بیان فارسی*. بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۷. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات راه رشد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. قرخلو، مهدی، *تحکیم همبستگی ملی با تاکید بر عناصر جغرافیایی فرهنگی در ایران*، نشریه پژوهش‌های جغرافیای، ۱۳۸۲، ش ۴۶، ص ۷۵-۸۶.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، ج ۸، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۲۲. مجدآبادی، مجتبی، *نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی به روایت اسناد*، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
۲۳. محمدی هوشیار، علی، *توهم بازگشت*، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۹.
۲۴. مریجی، شمس‌الله و اسماعیل چراغی کوتیانی، *تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی*، مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹، ص ۶۰-۸۳.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۹۲.
۲۶. مطلّبی، مسعود، *بن‌مایه‌های همبستگی ملی در قانون اساسی*، زمانه، شماره ۶۳.
۲۷. معروف، ذاکر، *ثالوث شیطان، موانع سه‌گانه ظهور امام مهدی (عج)*، نشر: پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش مقالات، ش ۶۳، ۱۳۹۷.
۲۸. معین، محمد، *فرهنگ معین*، کتاب راه نو، ۲ جلدی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۱.
۲۹. منتظرالمهدی، امیر، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۵۲۰*، نشر: پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۴۰۱.
۳۰. میرترابی، هدیه سادات و سبحان طیبی، *تعامل تمامیت ارضی با حقوق آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی*، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۰۷-۱۳۶.

۳۱. ناصری، عبد الغفور، *موانع وحدت در جهان اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه فقه و معارف اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۲. نظری، نصرالله، *ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب اجتماعی از منظر اسلام*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۵.
۳۳. هاشمی خراسانی، منصور، *بازگشت به اسلام*، دفتر حفظ و نشر آثار منصورهاشمی خراسانی، چاپ هفتم، افغانستان، ۱۴۰۰.
۳۴. _____ *سبیل السلام، مجموعه نامه‌های منصورهاشمی خراسانی*، دفتر حفظ و نشر آثار منصورهاشمی خراسانی، طالقان، چاپ دوم، افغانستان، ۱۴۰۱.
۳۵. _____ *منهاج الرسول*، مجموعه نامه‌های منصورهاشمی خراسانی، دفتر حفظ و نشر آثار منصورهاشمی خراسانی، بلخ، چاپ ششم، افغانستان، ۱۳۹۵.
۳۶. _____ *هندسه عدالت*، دفتر حفظ و نشر آثار منصورهاشمی خراسانی، چاپ سوم، افغانستان، ۱۳۹۷.
۳۷. یعقوبی، عبدالرسول، *تبیین عوامل تهدیدگر همبستگی اجتماعی ایران عصر مشروطیت*، فصلنامه آموزه، ۱۳۸۳، ش ۶، ص ۳۲۹-۳۹۰.